

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پیروزمند در بررسی جایگاه مردم سالاری دینی در مکتب امام مطرح کرد

# جمهوریت و اسلامیت؛ دو بال مکتب امام

یک روز در چایخانه‌های حرم مطهر رضوی

## بیا ای خسته از دنیا...

صحن و سرای حضرت ثامن‌الحجج(ع) مملو از عاشقانی است که سختی سفر و گرمای بالای آخرین روزهای بهار را به جان خریده‌اند و از راه دور و نزدیک میهمان این حریم آسمانی شده‌اند. زائرانی که همیشه قلبشان برای یک بسته نبات متبرک به شماره می‌افتد و نشستن بر سر سفره حضرت رضا(ع) مایه سعادتشان است. نخستین چایخانه حضرت رضا(ع) در صحن کوثر افتتاح شد. این اقدام به حدی مورد استقبال زائران و مجاوران قرار گرفت که دو چایخانه دیگر هم در صحن غدیر و باغ رضوان، یکی پس از دیگری افتتاح شد تا با رعایت دستورالعمل‌های ...



حجید و زائران عکس رضوی

درباره تصمیم تاریخی امیرعلیشیر نوایی در حرم مطهر چه می‌دانید؟

## اجلاس صلح در روضه منوره

به این سادگی‌ها نبود و هر لحظه امکان داشت که با رسیدن نیروهای محمدحسین میرزا از استرآباد، جنگی سخت آغاز شود و حتی مشهد مقدس نیز از آتش این فتنه مصون نماند.

■ **تدبیر امیرعلیشیر نوایی در حرم رضوی**

در چنین شرایطی به دلایلی که بر ما معلوم نیست، امیرعلیشیر نوایی، وزیر خردمند سلطان تصمیم گرفت به سفر حج برود. به همین دلیل از پایتخت تیموری، یعنی شهر هرات بیرون آمد و راهی مشهد شد تا از آنجا راه حجاز و مکه را پیش گیرد. در مشهد بزرگان شهر و سادات به پیشواز وزیر خردمند آمدند و او چند روزی را به عبادت در حرم رضوی گذراند. آنجا بود که پیک سلطان به دنبال وی آمد و به امیرعلیشیر نوایی خبر داد که به هرات بازگردد و برای مشکل پیش آمده، چاره‌ای بیندیشد. امیر مردم ماند که آیا حضور او می‌تواند نقشی در این ماجرا و دفع فتنه داشته باشد؟ وی سفیر را بازگرداند و به سلطان پیغام داد که درباره موضوع فکر خواهد کرد. امیرعلیشیر نوایی چند روز دیگر در حرم رضوی و روضه منوره ماند. طبق گزارش غیاث‌الدین خواندمیر در «تاریخ حبیب‌السیر»، امیرعلیشیر نوایی در آن چند روز با توسل به وجود مقدس امام رضا(ع) کوشید تا تردید را کنار بگذارد. سادات و نقبای شهر به دیدارش آمدند. جلسه‌ای ویژه با محوریت تلاش برای صلح، در روضه منوره برگزار شد تا در آن، صلاح دین و دولت شناخته شود.

آنجا بود که امیرعلیشیر نوایی در نهایت تصمیم گرفت بازگردد؛ ظاهراً برای این کار، پس از مشورت با بزرگان و برای اطمینان قلبش، استخاره کرد و چون نیکو آمد، بلافاصله عازم هرات شد. امیرعلیشیر نوایی سرانجام توانست میان سلطان و فرزندانش، آشتی برقرار کند؛ همه پسران به استثنای محمدحسین میرزا، از پدر عذر خواستند و برای سرکوب برادری که همچنان یاغی‌گری پیشه کرده بود، متحد شدند. این اتحاد موجب شد خطر ناامنی از خراسان دور شود و مردم این خطه از خطری بزرگ در امان بمانند.

■ **پسران ناخلف**

ماجرا از این قرار بود که پسران سلطان حسین بایقرا حوصله نداشتند تا مرگ پدر صبر کنند و بعد به دنبال میراث خودشان بروند! یکی از آن‌ها به نام «ابوالمحسن میرزا» مشهور به «کپک میرزا» که پدرش وی را به عنوان حاکم مرو منصوب کرده بود، هوس کشتن پدر و بدست آوردن حکومت تیموری به سرش افتاد و دست به شورش زد. ابوالمحسن به برادرش «محمدمحسن میرزا» که حاکم ابیورد بود هم نامه نوشت که وی را در شکست دادن پدر و تصرف حکومت یاری کند. به این ترتیب آتش جنگ و نزاع خانگی دوباره در خراسان زبانه کشید. از آن طرف پسر دیگر سلطان حسین بایقرا یعنی «محمدحسین میرزا» هم که



استرآباد (گرگان امروزی) را عهددار بود، عَلم طغیان برداشت و حتی برادرانش را هم تهدید به مرگ کرد. وضع خیلی بدی بود. سلطان حسین بایقرا با همراهی یکی دیگر از پسرانش به نام «حیدرمیرزا» که حکومت مشهد را بر عهده داشت، تصمیم به محاصره مرو و تنبیه پسر سرکش و نااهل گرفت؛ اما کار

**محمد حسین نیکبخت** | خراسان پس از حمله مغول، به ندرت رنگ آرامش را می‌دید. حتی زمانی که ایلخانان، دولت قدرتمندی به وجود آورده بودند هم شاهزادگان مغولی ماوراءالنهر، برای غارت و چپاول منطقه، گاه و بی‌گاه به سوی خراسان حمله می‌کردند و در این حملات، شهر مشهد و اطراف آن نیز از آسیب هجمه آن‌ها در امان نبود. این وضعیت در دوره‌های بعد و با شروع قیام‌های مردمی در این منطقه تشدید شد؛ مغولان به بهانه سرکوب قیام‌ها، حتی مناطقی که ارتباطی با آن‌ها نداشتند را هم غارت و ویران می‌کردند. تنها در زمان حکومت سربداران و پس از الحاق مشهد به قلمرو آن‌ها، برای مدت کوتاهی مردم این شهر و روستاهای اطراف آن، زندگی نسبتاً آرامی را از سر گذراندند؛ اما با هجوم تیمورلنگ دوباره همه چیز به هم ریخت و طی بیش از ۳۰ سال امارت وی، خراسان آماج غارت‌ها و تخریب‌های بسیاری شد. با مرگ تیمور و روی کار آمدن فرزند فرهنگ‌دوستش یعنی شاه‌رخ‌میرزا و تلاش او برای آباد کردن شهر مشهد و نواحی اطراف آن، چنین به نظر می‌رسید که ایام نزاع‌های خونین امرا و سلاطین به پایان رسیده و قرار است صلح و آرامش برقرار باشد. البته این صلح و آرامش تا حدود زیادی برقرار ماند و در دوره حکومت بایسنقر، پسر شاه‌رخ و گوهرشاد خاتون بر مشهد، مردم روزگار آرامی داشتند. اما با قدرت گرفتن سلطان حسین بایقرا، آخرین امیر مقتدر تیموری انگار دوباره بخت مردم خراسان بسته شد. سلطان حسین خود انسانی فرهنگ‌دوست و دین‌پرور بود؛ وزیرش امیر علیشیر نوایی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های عصر تیموری و بانیان توسعه عمرانی حرم مطهر محسوب می‌شد که با همتش مشکل کم‌آبی مشهد رفع شد و سنگ بنای صحن عتیق را نیز گذاشتند اما مشکلات مربوط به برقراری امنیت به طور کامل از بین نرفت و خراسان همچنان آبیستن حوادث ناگوار باقی ماند.



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۳۵۷ |

لکته‌های ناب/آیت الله شیخ محمد کوهستانی

غبار لباس

زائران امام رضا

شفاست



اعزام نخستین کاروان به عربستان

زائران خانه خدا با تمسک

به پرچم حرم رضوی پریدند

آزادسازی زندانیان به همت

خدامان بارگاه رضوی

رئیس مرکز وکلای قوه قضائیه خبر داد

شکایت رسمی از دست اندرکاران

فیلم موهن «عنکبوت مقدس»

خبر

بازسازی ۸۸۸ واحد مسکونی محرومان



گروه‌های جهادی مردمی با پشتیبانی بنیاد کرامت رضوی، عملیات بازسازی ۸۸۸ خانه متعلق به محرومان را در ۳۱ استان کشور آغاز کرده‌اند و این خدمت تا تکمیل تمامی این خانه‌ها ادامه خواهد داشت.با توجه به مشکلات اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها به ویژه محرومان و نیازمندان، برخی از این خانواده‌ها بازسازی و تعمیر ضروری منازل مسکونی خود را از اولویت خارج می‌کنند که این موضوع در حاشیه شهرها و روستاهای کم‌برخوردار بیشتر به چشم می‌خورد. در همین راستا در دهه کرامت امسال با هدف حمایت از این خانواده‌ها و پیشگیری از وقوع حوادث احتمالی، گروه‌های جهادی فعال در سراسر کشور با پشتیبانی بنیاد کرامت رضوی، طرح بازسازی ۸۸۸ خانه محرومان را آغاز کردند. رئیس‌بان‌زاده، معاون خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی درباره جزئیات این طرح عمرانی گفت: پس از اجرای این طرح جهادی در بازه‌های زمانی مختلف، مرحله تازه این طرح در دهه کرامت امسال و با کمک گروه‌های جهادی در هر استان آغاز شده است که پس از شناسایی و پایش منازل نیازمند تعمیر، عملیات عمرانی آن اجرا می‌شود.

وی افزود: علاوه بر ۸۰۰ خانه شناسایی شده در استان‌های مختلف، در شهر مشهد نیز عملیات بهسازی و مقاوم‌سازی ۸۸ واحد مسکونی در حاشیه شهر آغاز شده است.

نیمکت زنده گی

**رقیه توسلی** | برای سومین بار که ماشین را خاموش می‌کند، حسی درونم می‌گوید الان است که بزند زیر گریه. چراغ سبز شده و دخترِ کلافه، هی استارت می‌زند و ماشین می‌پرد جلو و باز خاموش می‌شود. از توی مغازه به صحنه نگاه می‌کنم و کلاً خرید یادم می‌رود. حواسم توی خیابان است. انگار خطاب به ماشین می‌گویم این دفعه دیگر راه بیفت... یالا دیگه. بجنب... رفیق نیمه‌راه نباش. اما خیابان بند آمده و دختر راننده همچنان تقلا می‌کند و ماشین لجبازی‌اش

گرفته. طاقتم تاق می‌شود و می‌خواهم از خواربارفروشی بزنم بیرون که می‌بینم آقای مغازه‌دار با عجله پا تند می‌کند سمت پراید. سر چهارراه غوغا شده، ناپسندترین الفاظ و رفتار را در حق راننده دستپاچه می‌شود شنید و دید. انگار کسی جز این آقای محترم مغازه‌دار نیست که انسانیت و بزرگواری بجوشد در خونش. نمی‌دانم چه جمله‌ای بین او و راننده کم‌تجربه ردوبدل می‌شود که دیگر نیم‌کلاچ ناشیانه گرفته نمی‌شود و دختر جوان آرام گاز می‌دهد

و می‌آید کنار خیابان، نزدیک مغازه. تازه آنجاست که متوجه پسرک بُهت‌زده‌ای می‌شوم که روی صندلی عقب کز کرده. همان که آقای مغازه‌دار دارد جدی طور از او سؤال می‌کند؛ آبیته یا قرمزته؟

دختر راننده نیم‌خندی می‌نشیند روی صورت رنگ پریده‌اش و بعد خطاب به آقای مغازه‌دار می‌گوید: راننده اسنیم. رانندگی‌م خوبه. اما این ماشین صاحب کارمه... مشکل داره کلاچش... راستی صدای شما با بابام مو نمیزنه. مخصوصاً اونجا که گفتین نترس!

چند کلمه حرف حساب

میوه دین، اخلاق است



**خانم نیلچلی‌زاده** | ما انسان‌ها به وسیله یک رابطه متقابل رشد می‌کنیم. به همین دلیل اسلام خیلی تأکید دارد که حواستان به اطرافیان باشد. در درجه نخست به آن‌هایی که با شما رابطه خویشاوندی دارند. همه ما شنیده‌ایم کسانی که قطع رحم کنند و دور فامیل خط قرمز بکشند، در واقع دور رحمت خداوند خط کشیده‌اند.

البته همه ما اصل ارتباط با اقوام را قبول داریم اما گاهی اوقات در این زمینه دردهای جدی پیش می‌آید...گاهی از من سؤال می‌کنند که محبت کردن به مادر یا پدر همسر به اندازه محبت به پدر و مادر خودمان ارزشمند است یا خیر؟ من می‌گویم قطعاً بدانید این محبت کردن اثرات ماندگارتری دارد. نخستین دلیل این است زمانی که شما به پدر و مادر همسر خود توجه و محبت می‌کنید در حقیقت آن رابطه‌ای را که به صورت غریزی و به خاطرزودواج ایجاد شده تبدیل به رابطه‌ای ارادی، آگاهانه و خلاق می‌کنید... محبت من به پدر و مادر خودم بسیار طبیعی است اما محبت خالصانه به پدر و مادر همسر همان گونه که به پدر و مادر خود محبت می‌کنیم به اصطلاح روان‌شناسان یک نوع از خود بیرون آمدن و شکوفایی است. دومین دلیل این است که اگر خدای نکرده روزی همسر شما به هر دلیل نباشد، پدر و مادر او تا آخر عمر برای شما پدر و مادر خواهند ماند. فقه می‌گوید پدرشور و مادرزن برای همیشه به عروس و داماد محرم می‌مانند. اگر این طوری به ماجرا نگاه کنیم، فقط به خاطر همسر خودم به آن‌ها محبت نمی‌کنم، بلکه به خاطر خودشان به آن‌ها محبت می‌کنم. یک داماد موفق کسی است که پدرزن و مادرزن او بیشتر از پدر و مادر خودش از او حمایت کنند.

یک غلط مشهور در ذهن ما متدینان این است که ما شریعت را فقط فقه می‌دانیم و این خیلی بد است. مثلاً می‌گویم در قوانین فقهی ما شوهر هر جایی را که دوست نداشته باشد و یا صلاح نداند و یا اصلاً نخواهد می‌تواند اجازه ندهد که همسرش برود. این از لحاظ فقهی درست است اما مگر همه دین من فقه است؟ آداب و اخلاق و عقاید ما هم جایگاه ویژه‌ای در دین دارد. از دین مگر باید فقط فقه آن را گرفت. فقه در حقیقت آن شاخ و برگ‌ی است که طراوت و زیبایی زندگی را تأمین می‌کند، اما میوه دین من اخلاق من است. پیامبر(ص) فرمودند: من مبعوث شدم که بزرگی‌ها و زیبایی‌های بشر را در اخلاق کامل کنم وگرنه همه آیین‌ها شریعت دارند.